

حرف درشت

مصلحت احمدی‌نژادی



پوریا عالمی

• این‌طور که داریم پیش می‌رویم، کم‌کم محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق، شهردار سابق، فرماندار سابق، دانشمند و معجزه قرن سابق را باید در شبکه‌های ماهواره‌ای و بعد از برنامه‌ها ببینیم!

وی که دوربین خیلی دوست دارد، از وقتی دوربین صداوسیما را ندارد، خودش با موبایل از خودش فیلم می‌گیرد و منتشر می‌کند. الان سرعت ضبط و پخش فیلم‌های احمدی‌نژاد از انتشار انیمیشن‌های سوروی‌لند و دیرین‌دیرین بیشتر است.

محمود احمدی‌نژاد درحال‌حاضر به‌عنوان یکی از فعالان فضای مجازی شناخته می‌شود و آثار او را با آثار دیگر کم‌دین‌های اینستاگرام مقایسه می‌کنند.

همچنین احمدی‌نژاد به‌عنوان یک اینفلوئنسر شناخته‌شده‌آمادگی خود را اعلام کرد که برای فیلم‌های جدیدش دنبال اسپانسر می‌گردد. تا این لحظه یک تولیدکننده پفک و شیر روزانه برای حمایت و اسپانسری از فیلم‌های احمدی‌نژاد ابراز تمایل کرده‌اند.

مخاطبان احمدی‌نژاد اما ۳ دسته باحال هستند:

دسته اول که مردم عادی هستند، کارهای او را دنبال می‌کنند تا بخندند. دسته دوم که مسئولان هستند، کارهای او را دنبال می‌کنند تا به وقتش. دسته سوم اما کسانی هستند که معتقدند احمدی‌نژاد خودش خوب بود، اما اطرافیان‌ش بد بودند و او اگر به قدرت برگردد، می‌ترکاند.

در ضمن گفته می‌شود رامبد جوان در برنامه خندوانه بارها از احمدی‌نژاد دعوت به همکاری کرده است که منتها این همکاری به این دلیل که احمدی‌نژاد گفته در کل برنامه فقط من باید حرف بزنم و رامبد بهش گفته پس من چی؟ تا به حال شکل نگرفته است.

شتر روزنامه

شنبه ۹ دی ۱۳۹۶ • ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ • سال یازدهم • شماره ۳۰۴۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com



ثنا حسین‌پور

کارتون خواب

پاییز امسال خشک ترین پاییز ایران طی ۶۷ سال گذشته!



بانتجارت
روابط عمومی

جشنواره بزرگ باشگاه مشتریان

یه حرکت حساب شده

یک جایزه ۲۰۰ میلیون تومانی و ۳۰۰ جایزه یک میلیون تومانی

www.tejaratclub.ir

پشت جلد

پیشروی، پسروی!

یادداشت کمی گسترده‌تر بود. اگر جهت سیاست به جای پس‌روی، پیش‌رونده باشد همه در برابر هر سؤالی، راه را برای رسیدن به نوعی توافق بازمی‌گذارند. بازگذاشتن امکان سازش نقطه کلیدی سخن این یادداشت است. این نقطه‌ای است که جناحان ما -به‌ویژه جناحی که سهم بزرگ‌تری در قدرت دارد- هم‌اکنون از آن فرسنگ‌ها فاصله دارند. چرا عرض می‌کنم فاصله دارند، چون راه‌های گفت‌وگو تنها در رسانه‌ها باز است، درحالی‌که جای اصلی گفت‌وگوهای پیش‌رونده در سیاست عملی، رسانه‌ها نیست بلکه پشت میزهای رودرروست. سیاسیون ما از جناح‌های مختلف باید بداند که لازمه پیشرفت جامعه، دوری فوق‌العاده آنها از هم و پرتاب مداوم سنگ به یکدیگر و نابراین عمیق‌ترشدن روزافزون سوتفاهم‌ها نیست؛ دقیقاً برعکس. اشکالی ندارد آنها مخالف هم باشند و یکدیگر را به‌سختی نقد کنند، ولی از نشانه توسعه‌یافتگی فضای سیاسی آن است که سیاستمداران ما همواره امکان گفت‌وگو با یکدیگر را برای نیل به توافق احتمالی باز بگذارند. اگر از ضرورت وحدت و هم‌گرایی سخن می‌گوییم رازش هیچ‌گاه یک‌دست‌شدن قدرت نیست، بلکه به‌رسمیت‌شناختن نمایندگان افکار عمومی از همه سلیقه‌هاست. دراین‌صورت هیچ عاملی توان ضربه‌زدن به این جامعه را نخواهد داشت؛ هیچ عاملی!



کریم ارغنده‌پور

سیاست باید پیش‌رونده باشد؛ یعنی چه؟ توضیح می‌دهم. سیاست در کشور ما به‌دلایل تاریخی گاهی بد فهمیده شده است. برخی تصور کرده‌اند سیاست یعنی پدرسوختگی. اصطلاح مشهوری است که می‌گویند سیاست پدرموادر ندارد! یا سیاست یعنی پدرسوختگی! دقیقاً به همین دلایل است که بسیاری می‌پندارند سلامت دنیا و حتی عقابیشان درامان‌بودن از سیاست است و به فرزندانشان هم توصیه می‌کنند از سیاست فاصله بگیرند تا رستگار شوند! باید گفت اینها تلقی مدرن از سیاست نیست. با تلقی سنتی هم نمی‌توان در دوران مدرن سیاست پدرموادر پاسبان گفت. خواننش دموکراتیک از سیاست -که در آن شهروند، ح‌ق‌مدار و پرسش‌گر و تصمیم‌گیر است- دقیقاً شهروند را سیاسی و مسئول و بازیگر می‌خواهد. در این خوانش، دورمادن از سیاست نه‌تنها لازمه سلامت نیست که برعکس، نشانه بیماری است. حالا با این مقدمه، اجازه دهید پرسش بعدی را مطرح کنم: آیا سیاست به معنی بلاموضوع‌کردن

نکته

آوار زلزله تهران بر مخاطب

پویا نعمت‌اللهی

متعاقب وقوع زلزله ۲۹ آذر چندین جریان رسانه‌ای در راستای اطلاع‌رسانی این رخداد (از مجاری مختلف) فعال شدند.

جریان رسانه‌ای اول (که این‌بار نیز از سایر رسانه‌ها عقب‌تر بود) در قالب جریان رسمی و دولتی ستاد مدیریت بحران است. این تشکیلات طبعاً اخبار خود را از طریق صداوسیما و شبکه‌های رسمی به اطلاع مخاطبان می‌رساند.

جریان دوم، از سوی یکی از استادان مرکز پژوهش‌های زلزله بود و جریان سوم نیز متعلق به یک شهروند خراسانی که گفته می‌شود آشنایی مقدماتی هم با مبانی زلزله‌شناسی ندارد و صرفاً عضو انجمن محترعین در آن استان است و مدعی است که می‌تواند با دقت ۷۰ درصد زلزله را پیش‌بینی کند.

جریان دوم بعد از وقوع زلزله ۲۹ آذر در کانال خود اعلام کرد که پس از رخداد زلزله‌های اخیر تعداد اعضای کانال تلگرامی ایشان (که برای انتشار مقالات و مصاحبه‌های خود در تلگرام درست کرده بودند) به حدود سه هزار نفر رسیده ولی تعداد اعضای یک کانال مدعی پیش‌بینی زلزله (یعنی جریان سوم) به تعداد صد هزار نفر (بیش از ۳۰ برابر تعداد اعضای کانال جریان اول) رسیده است.

جالب است که از آن موقع تاکنون تعداد اعضای کانال جریان دوم به شش هزار نفر رسیده اما تعداد افراد عضو کانال سوم به ۲۶۰ هزار نفر افزایش یافته است. سؤال اساسی این است که چرا کانال تلگرامی یک کارشناس برجسته با مقالات بین‌المللی در زمینه زلزله، مورد توجه قرار نمی‌گیرد و درعوض کانال متعلق به جریان سوم (که گویا یک معلم است) با استقبال مردم مواجه می‌شود؟ صرف‌نظر از پاسخ‌های متعددی که هرکدام از ساخت‌های علم می‌توانند به این سؤال داشته باشند، به‌نظر می‌رسد قسمتی از پاسخ را باید در حوزه علوم ارتباطات جست‌وجو کرد. یک دلیل اصلی را باید در مدیریت اطلاع‌رسانی این جریان‌ها دانست. جریان دوم در عرض این چند روز تعداد زیادی متن و فایل‌های متنی و تصاویر و ویدئوهای سبک و سنگین و انواع محتوای گوناگون را به صورت متوالی و بدون هیچ‌گونه نظم و ترتیب یا دستورالعمل خاص در کانال خود بارگذاری می‌کند. مخاطب عام و شهروندان عادی (حتی اگر تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مختلف داشته باشند)، قادر به درک دقیق و درست محتواهای منتشره در کانال جریان دوم نیستند.

اما جریان سوم به صورت بسیار ساده و روان با ادبیات عام و روزمره، توضیحات مدنظر خود را ارائه می‌کند. اما به موازات این سه جریان، یک جریان موازی دیگر نیز در رسانه‌های اجتماعی سرصودا کرد. چندین فایل صوتی از سوی شخصی که مدعی است «مدت ۲۵ سال روی زلزله‌های ایران کار کرده» و «اطلاعاتی دارد» و «زلزله‌های اخیر را کارشناسی کرده است» به سرعت در تلگرام دست به دست می‌شد. فضای سخن منتشرکننده این بود که تهران به‌واسطه یک زلزله بین ۷ تا ۷،۵ ریشتر ویران و نابود نمی‌شود. سازه‌های تهران آسیب می‌بینند ولی نابود نمی‌شوند و پدیده «کولایس» یا ریزش کامل وقوع نمی‌دهد (البته به غیر از بافت‌های فرسوده). او در انتهای صحبت خود خواستار استفاده از تجهیزات ایمنی برای قطع آب و برق و گاز و هشدار در زمان زلزله شده است. چند ساعت بعد متنی منتشر شد که مدعی بود صاحب فایل صوتی یک تاجر و فروشنده دستگاه‌های مرتبط با زلزله بوده و او را یک «کاسب زلزله» نامیدند.

صاحب این قلم هیچ دانشی در حوزه مطالعات زلزله نداشته و با صاحبان جریانات فوق نیز هیچ‌گونه آشنایی و قرابت (به هیچ شکلی) ندارد و طبعاً در مقام قضاوت پیرامون صحت و سقم ادعای هیچ‌کدام از آنها برنمی‌آید. اما واقعه زلزله در تهران به خوبی یکی از جلوه‌های اهمیت مدیریت رسانه و مدیریت مخاطب را آشکار کرد. نکته اساسی از منظر علوم ارتباطات همانا شیوه‌های مدیریت مخاطب و تولید و انتشار محتوای رسانه‌ای مناسب است. تکنیک‌های تولید و ارائه محتوا در کنار «ارزش‌ها و نیازهای ذهنی مخاطبان» نقش بسیار مهمی در جذب و باورپذیری مخاطب دارد.

جریان چهارم (صاحب فایل صوتی) با بیانی شیوا و ساده، مخاطب را قرین آرامش می‌کند. گویی تمامی یافته‌های زلزله‌شناسی علمی و پیش‌بینی‌های زلزله‌ای در تقابل با این سخنان، رنگ می‌بازد و مخاطب در نسیم راحتی خیال به سطوحی از اطمینان و رهایی و آرامش می‌رسد.

این نکته‌ای است که هیچ‌کدام از مجاری رسمی و غیررسمی هرگز نتوانستند به ذهن مخاطبان خود القا کنند. به نظر می‌رسد دلیل توجه مردم، چیزی جز ضعف نهادهای اطلاع‌رسانی و تصمیم‌گیر (اعم از رسمی و غیررسمی) نیست. صاحب این صدا چیزی به مردم داد که همه انتظارش را می‌کشیدند. او سعی کرد مردم را به آرامش برساند (امری که سایر جریان‌ها توفیقی در آن نداشتند). مسئولان رسمی ابتدا مردم را دعوت به خروج از تهران و زندگی در سایر نقاط تهران می‌کنند و در بار دوم می‌گویند که دعا کنید تا اتفاق بزرگ‌تری نیفتد. این‌گونه صحبت‌هاست که بار روانی دلهره زلزله را چندبرابر می‌کند. به همین خاطر است که مردم عادی با علم به ضعف‌ها، کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های موجود، صرفاً به آن جریان (با شخص یا گروهی) روی خوش نشان می‌دهند که آنها را به آرامش بیشتری برساند؛ حتی اگر بر این باور باشند که این دلداری‌ها، چندان واقعی نیست.

این موقعیت درس خوبی برای همه دست‌اندرکاران (اعم از رسمی و غیررسمی) بود تا مقوله مخاطب‌شناسی و مدیریت تولید محتواهای رسانه‌ای را جدی‌تر بگیرند.

یاد آ‌ر

شاه‌حسینی کتاب زنده گویا



مینو مرتاضی‌لنگرودی

زنده‌یاد شاه‌حسینی همیشه مرا به یاد قهرمان داستان فارزهایت ۴۵۱ نوشته ری براد بری می‌انداخت. این داستان در جامعه‌ای که به‌عمد نابالغ نگاه داشته شده است و قرص‌های شادی‌بخش و داروهای مسکن و ضدافسردگی در آن حرف اول را می‌زنند، اتفاق می‌افتد. شاه‌حسینی هم متعلق به دورانی بود که کتاب‌خواندن و نوشتن درباره آزاداندیشی و نهضت‌های ملی جرم محسوب می‌شد. ازاین‌رو کتاب‌ها را می‌سوزانند و کتاب‌خوان‌ها را زندان می‌کردند. فارزهایت ۴۵۱ کتایه از دمایی است که در آن کاغذ به خاکستر تبدیل می‌شود. در این داستان کتاب‌خوانان برای مقاومت در برابر نابالغی و نابالغان و برای محافظت از کتاب‌ها و نویسندگان بزرگ تاریخ بشری و برای اینکه عشق انسان به یادگیری و خواندن و نوشتن از یادها نرود، در دهکده دورافتاده‌ای دور از چشم آتش‌زندگان گرد هم می‌آیند و کتابخانه زنده و گویایی از انسان‌ها می‌سازند تا فارزهایت ۴۵۱ قادر به خاکسترکردن‌شان نباشد. هر انسان یک کتاب گویا می‌شود و با نام کتاب هویت می‌یابد و راوی بی‌سانسور و بلافصل و بی‌واسطه کتاب بدون نیاز به چاپ و چاپخانه مردمی می‌شود که به‌دنبال حقیقت‌اند و از دریافت آن شاد می‌شوند. زنده‌یاد شاه‌حسینی نیز با حافظه درخشان‌ش به کتاب زنده تاریخ مقاومت مردم ایران تبدیل می‌شود تا نهضت ملی‌شدن نفت و قهرمانانش را قبل از انقلاب از زنده در آتش افتادن و سوختن مراقبت کند و پس از انقلاب نیز با ذکر جزئیات و یادآوری دقیق نقش شخصیت‌ها و عملکرد مثبت و منفی آنان در تحولات دورانی، در برابر کسانی که دانسته یا نادانسته دست به تحریف تاریخ و حوادث نهضت مقاومت ملی و ملی‌شودن صنعت نفت زده بودند، ایستادگی کرد. زنده‌یاد شاه‌حسینی در روزگاری پا به عرصه مبارزات سیاسی گذاشت که آزاداندیشی در آن ممنوع بود. تأثیر شخصیت مراد و الگوی او دکتر محمد مصدق، رهبر و پیشوای جنبش ملی‌شدن نفت و مبارزان نهضت مقاومت پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر روان و جان شاه‌حسینی چنان بود که در عمرش حتی یک لحظه هم در ذهنش خود را از او و همراهان صدیقش جدا ندید و منگ نماند. کتاب خاطرات مرحوم شاه‌حسینی تحت عنوان ۷۰ سال پایدار نشان می‌دهد مرحوم شاه‌حسینی با چشم و گوش باز و با دقتی ستودنی بر احوال خود و اطرافیان‌ش در موقعیت‌های مختلف اشراف کامل داشته است. گفت‌وگو با زنده‌یاد شاه‌حسینی هیچ‌گاه به آخر نمی‌رسید و تمام نمی‌شد. همواره مشتاق خواندن (شنیدن) فصل‌های بعدی روایت‌هایش بودیم. زمان در برابر حافظه و خاطرات شاه‌حسینی همیشه کم می‌آورد. شاه‌حسینی با وجود تنقید اخلاقی و ایمان مذهبی‌ای که داشت؛ قلندری می‌دانست و منش پهلوانی را دوست می‌داشت. با وجود اینکه همه عمر کنشگر سیاسی بود، اما بیش از آنکه تحلیلگر سیاسی باشد، روایتگر صادق وقایع سیاسی بود که در بطن و متن آنها حضور داشت. هنگامی که پای صحبتش می‌نشستم، سیاست را به خواناندن توپ (تو بخوان قدرت) در زمین رقیب در بازی والیبال که بسیار دوستش می‌داشت، تشبیه می‌کرد. قدرت توپی است که هزار چرخ می‌خورد و بدون کمترین دیلبستگی به این یا آن بازیگر گاه در زمین خودی و گاه زمین رقیب فرود می‌آید و دقایقی عده‌ای را شادی بردن و عده‌ای را اندوه باخت فرامی‌گیرد و توپ همچنان می‌گردد و تکرار را مکرر می‌کند. این برد و باخت‌های سیاسی از نظر شاه‌حسینی فقط به کار حواشی کتابی می‌آمد که روای‌اش او بود. سیاست واقعی و اصیل از آن همان الکوبش بود که مردمان را آزاد و وطن را آباد و ایستاده بر پای خود می‌خواست. درعین‌حال ایمان مذهبی عمیق شاه‌حسینی به او اجازه نمی‌داد که از کشگری سیاسی به نیت بهبود اوضاع و برقراری عدالت و تحقق آزادی در وطنش ناامید و مایوس شود. سینه ستر شاه‌حسینی صندوقچه‌ای بود که پاندورا سیاست درب آن را گشود و همه اسرارش را برون ریخت. الا امید که همچنان در آن ماند.

پیشخوان

شماره ششم مجله مروراید منتشر شد

درشماره جدید مجله «مروراید» موضوع «کار» به‌عنوان موضوع اصلی در نظر گرفته شده و درباره آن از نظرگاه‌های مختلف کنکا‌ش شده است. موضوع «کار خانگی» به‌عنوان شغلی تمام‌وقت، اما بدون دستمزد، شغل‌های سر قبر، کار کودک، شغل‌های لوکس اما پنهان از دیگر مطالب مهم این بخش از مجله مروراید است. در بخش اندیشه، موضوع اصلی که عنوان «صحرای سرخ» نام گرفته است، به رنج بشر در هیاهوی مادی‌گرایی پرداخته است. در این شماره تقابل کار و سرمایه، رضا نیازمند، چهره ماندگار اخلاق و اقتصاد، دموکراسی و کار حزبی، درنگی بر تبیلی فرهنگی، روایت اردوگاه‌های کار، تأملی در آرای مهندس مهدی بازگان و آلبر کامو در حوزه کار و رابطه بین کارکردن و عزت‌نفس مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بخش هنر، جریان تولید و بازار هنر در ایران با عنوان اصلی «کسب‌وکاری به نام هنر» بررسی شده است. مجله مروراید به مدیریتسنوئی گیتا علی‌آبادی و سردبیری پژمان موسوی از امروز در کیوسک‌ها عرضه می‌شود.

